

ازمبائے تا
ردیف



تالیف: هوتن شرف بیانی

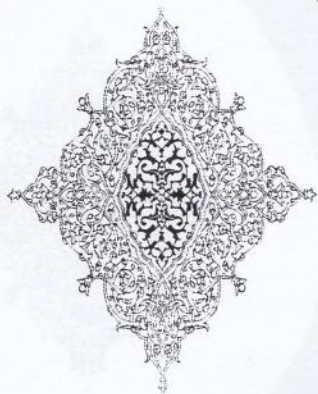


مرکز موسیقی بتھوون شیراز



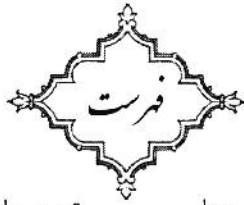
سرشناسه : شرفبیانی، هوتن، ۱۳۶۰-
 عنوان و نام پدیدآور : سه‌تار از میانی تا ردیف / اپیدیاور | هوتن شرفبیانی.
 مشخصات نشر : تهران: هوتن شرفبیانی، ۱۳۹۴ -
 مشخصات ظاهری : ۴ ج: مصور، جدول، پارتیسیون؛ ۲۲×۲۹ س.م. + یک لوح فشرده.
 شابم : ۲۰۰۰۰۰ ریال (با لوح فشرده): ج. ۱: 979-0-69850-154-5
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 یادداشت : کتابنامه.
 موضوع : سه‌تار -- آموزش
 موضوع : موسیقی برای سه‌تار -- پارتیسیون
 رده بندی کنگره : ۱۳۹۴ ش ۴ / س ۹۴ / س ۶۵۴ MT
 رده بندی دیویی : ۷۸۹/۷۲۳
 شماره کتابشناسی ملی : ۳۹۰۳۰۸۹

سه‌تار از میانی تا ردیف فصل یک



نگارش : هوتن شرفبیانی
 طراح جلد : احمد رمضان پور
 نوبت چاپ : سوم
 سال انتشار : ۱۳۹۸
 شمارگان : ۱۰۰ نسخه
 ناشر : مولف
 شابم: ۹۷۹-۰۰۰-۶۹۸۵-۵-۱۵۴-۵ : ISBN: 979-0-69850-154-5
 پخش : ۰۹۳۸۳۲۶۱۶۱۴
 قیمت با لوح فشرده

hootanbayani@yahoo.com



۴۱	تمرین با ساز	پیش درآمد	چهار
۴۳	هفته هفتم (ریتم)	هفته یکم (اکل نوازندگی سه تار)	۱
۴۴	ریتم	صدا	۲
۴۴	ریتم در موسیقی	زیر و بمی صدا	۲
۴۴	دور ریتمیک	نام نتها	۲
۴۵	خودآزمایی	گام	۴
۴۶	تمرین با ساز	اکل نوازندگی سه تار	۴
۴۷	هفته هشتم (میزان بندی)	دست راست	۶
۴۸	وزن	دست چپ	۷
۴۸	میزان	نواختن زخمه	۸
۴۹	میزان نما	خودآزمایی	۹
۴۹	وزنهای ساده	تمرین با ساز	۹
۵۰	خودآزمایی	هفته دوم (خواندن و نوشتن زیر و بمی صدا)	۱۳
۵۱	تمرین با ساز	خطهای حامل	۱۴
۵۳	هفته نهم (سکوت)	کلید	۱۵
۵۴	سکوت	خودآزمایی	۱۶
۵۵	خودآزمایی	تمرین با ساز	۱۸
۵۶	تمرین با ساز	هفته سوم (انگشت گذاری)	۱۹
۵۹	هفته دهم (دیرش چنگ)	خطهای تکمیلی	۲۰
۶۰	خودآزمایی	روشهای تغییر زیر و بمی صدا در سه تار	۲۰
۶۱	تمرین با ساز	انگشت گذاری	۲۱
۶۳	هفته یازدهم (فاصله موسیقایی)	خودآزمایی	۲۳
۶۴	فاصله موسیقایی	تمرین با ساز	۲۴
۶۴	بنیه فاصله	هفته چهارم (انگشت دوم)	۲۷
۶۵	نشانه تغییردهنده فاصله	انگشت دوم	۲۸
۶۶	نشانههای ترکیبی و عرضی	خودآزمایی	۲۸
۶۷	خودآزمایی	تمرین با ساز	۳۰
۶۸	تمرین با ساز	هفته پنجم (دیرش صدا)	۳۳
۷۱	هفته دوازدهم (فاصله موسیقایی ۲)	دیرش صدا	۳۴
۷۳	ربع برده	خواندن و نوشتن دیرش صدا	۳۴
۷۳	روش تشخیص نام نتها در دسته سه تار	مترتیم مارک	۳۵
۷۳	خودآزمایی	خودآزمایی	۳۶
۷۴	تمرین با ساز	تمرین با ساز	۳۷
۷۶	منابع	هفته ششم (انگشت سوم)	۳۹
		خودآزمایی	۴۱

صدا sound

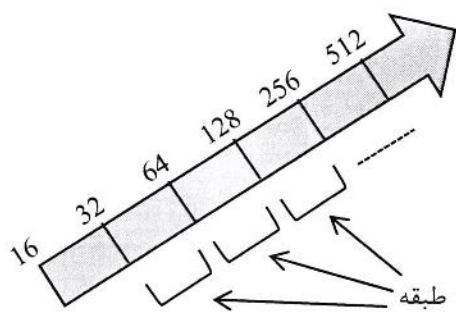
تشخیص و شناخت ابزارهای مورد استفاده در هر رشته، از اقدامهای ضروری در فراگیری آن رشته است. با شناخت ماهیت و ویژگی‌های ابزارها امکان به کارگیری هرچه بهتر از آنها به وجود خواهد آمد. مهمترین ابزار مورد استفاده در موسیقی، صدا است که به وسیله سازهای موسیقی یا دستگاه صوتی انسان تولید می‌شود. از این روی پیش از پرداختن به عود و چگونگی نواختن آن، تا اندازه مورد نیاز در این مرحله، به شناخت صدا و ویژگی‌های آن می‌پردازیم.

هر جسمی که ارتعاش داشته باشد موج (صدا) تولید می‌کند و در صورتی که یک محیط مادی قابل ارتعاش، مانند هوا وجود داشته باشد موج می‌تواند در آن منتقل شده و به گوش انسان برسد. اگر تعداد ارتعاشات جسم مرتعش از حدود ۲۰ تا ۲۰۰۰۰ حرکت در ثانیه^۱ باشد گوش انسان توانایی تشخیص امواج و شنیدن آن به عنوان صدا را خواهد داشت. بنابراین می‌توان صدا را تفسیر اعصاب شنوایی انسان از امواج تولید شده به وسیله اجسام مرتعش دانست و یا می‌توان گفت: صدا ارتعاشی منتشر شده در محیطی انعطاف‌پذیر است.

زیر و بمی صدا pitch

آنچه که موجب تغییر زیر و بمی صداها می‌شود اختلاف در تعداد ارتعاشات است. هر چه تعداد ارتعاشات جسم مرتعش در یک واحد زمانی مشخص بیشتر باشد صدا زیرتر و هر چه کمتر باشد صدا بم‌تر خواهد بود. تعداد ارتعاش به سرعت آن نیز بستگی دارد یعنی سرعت بیشتر ارتعاش در یک محدوده زمانی مشخص موجب افزایش تعداد آن خواهد شد. هر ارتعاش کامل «تناوب» period نامیده می‌شود و به تعداد ارتعاشات در مدت زمانی معین «بسامد» می‌گویند. اگر زمان اندازه‌گیری ارتعاشات یک ثانیه باشد، با واحد «هرتز» hertz^۲ (با نشانه اختصاری HZ) مشخص می‌شود. بنابراین صدای یک سیم مرتعش با بسامد ۱۲۰ هرتز (یعنی در هر ثانیه ۱۲۰ بار حرکت می‌کند) از صدای سیم دیگر با بسامد ۱۰۰ هرتز زیرتر است همچنین صدای یک نی با بسامد ۳۰۰ هرتز از نی دیگر با بسامد ۴۰۰ هرتز بم‌تر خواهد بود. زیر و بمی صدا را اصطلاحاً «ارتفاع صدا» نیز می‌گویند^۳ و به صداها دارای بسامد مشخص و ارتعاش منظم که در موسیقی به کار می‌روند و تعداد ارتعاشات آنها نسبت‌های مشخصی با یکدیگر دارند «صدای موسیقی» یا «نغمه» tone گفته می‌شود.^۴

نام‌تها



همان‌گونه که در یک طیف یا گستره کامل رنگ، امکان انتخاب بسیار زیادی از رنگ‌های گوناگون تیره و روشن وجود دارد، در یک گستره صوتی نیز امکان گزینش صداها فراوانی وجود دارد. در موسیقی گستره صوتی محدود به یک طیف نیست و چندین طیف در میان صداهاست که در موسیقی به کار می‌روند وجود دارد. این طیف‌ها با دوبرابر یا نصف شدن بسامد صداها مشخص می‌شوند. برای نمونه اگر بسامد صدایی ۳۲ هرتز باشد یک گستره صوتی میان آن و صدایی با بسامد دوبرابر آن یعنی ۶۴ هرتز و

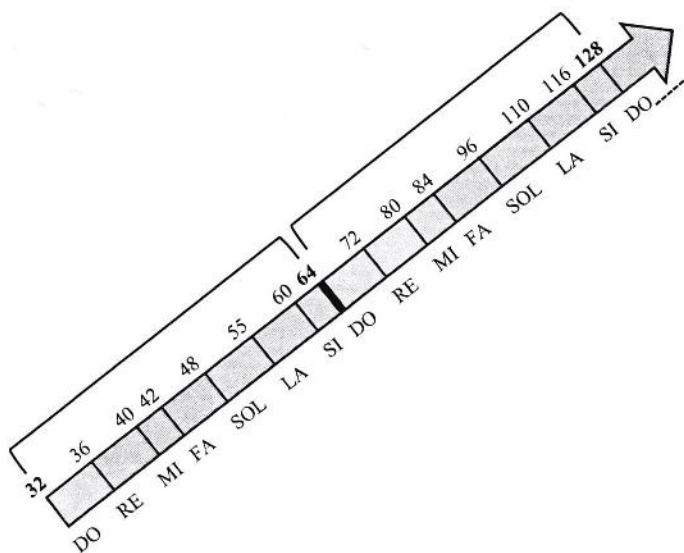
^۱ البته شماره‌های مذکور در شرایط گوناگون جسمی و روحی انسان تا اندازه‌ای متغیر هستند. گستره شنوایی انسان در برخی منابع مانند کتاب نظری به موسیقی (خالقی، ۱۳۶۲، ۷) ۳۲ تا ۷۵۵۲ ارتعاش در ثانیه و در کتاب مبانی نظری و ساختار موسیقی ایرانی (علیزاده و دیگران، ۱۳۸۸، ۶) ۱۶ تا ۲۰۰۰۰ ارتعاش در ثانیه ذکر شده است.

^۲ این واژه برگرفته از نام دانشمند آلمانی هاینریش هرتز است. (ستایشگر، ۱۳۷۵، ۵۷۳)

^۳ در گذشته اصطلاحاتی همچون «تیزی و گزانی» (ابن سینا، ۱۳۷۱، ۱۷) و «حِدَّت و ثِقَل» (مراغی، ۱۳۸۷، ۱۹) نیز برای اشاره به زیر و بمی صدا به کار می‌رفته‌اند.

^۴ به صورت نوشته شده آن‌ها نَت note می‌گویند.

همچنین یک گستره صوتی بم‌تر یا پایین‌تر میان ۳۲ هرتز و صدایی با بسامدِ نصفِ آن یعنی ۱۶ هرتز خواهیم داشت. چنان‌که پیش‌تر اشاره شد که با افزایشِ بسامد، صدا زیرتر می‌شود و بالعکس، گستره‌های صوتی بالاتر نیز دارای صدایی زیرتر خواهند بود. مثلاً گستره صوتی میان ۶۴ تا ۱۲۸ هرتز دارای صدایی زیرتر از گستره میان ۳۲ تا ۶۴ هرتز است. به هریک از این گستره‌های صوتی که یک طیفِ کامل به شمار می‌روند «طبقه» می‌گوییم.^۱



اگر در هر طبقه ۸ صدا انتخاب شود که اولین و آخرین آن‌ها، صداهای آغاز و پایانِ طبقه باشند هر طبقه به ۷ بخش تقسیم خواهد شد.^۲ به این ترتیب فاصله میان اولین و آخرین صدای هر طبقه را «اُکتاو» octave که در زبان یونانی به معنای ۸ است می‌گویند.^۳ معمولاً تقسیم‌بندی طبقه‌ها به بخش‌های مساوی انجام نمی‌شود^۴ و با انتخابِ بخش‌های کوچک و بزرگ مانند گزینشِ رنگ‌های گوناگون، حالت‌های مختلفی ایجاد می‌شود. هریک از هشت صدای انتخابی در طبقه، یکی از نغمه‌ها (یا همان نت‌ها در نگارش موسیقی) خواهند بود که هر یک دارای نامی مشخص هستند ولی به دلیل هم‌نام بودن نتِ آغاز و پایانِ هر طبقه (با بسامدِ دوبرابر)، ۷ نام برای مجموع نت‌ها وجود خواهد داشت:^۵

DO RE MI FA SOL LA SI

^۱ در رساله‌های قدیم موسیقی ایران واژه طبقه به معنای دیگری مانند گستره ذی‌الربع و ذی‌الخمس نیز به کار رفته (آرموی، ۱۳۸۰، ۲۱) ولی در اینجا به دلیل هماهنگی توضیحات داده شده با واژه مذکور، از این واژه استفاده شده است.

^۲ در برخی از گونه‌های موسیقی تقسیمات دیگری به کار می‌رود. (مانند ۵ بخش در موسیقی خاور دور یا تقسیمات ۸ بخشی در برخی مدهای موسیقی قدیم ایران)

^۳ به این واژه در موسیقی قدیم ایران «ذوالکُل» یا «ذی‌الکُل» گفته می‌شده و امروزه به آن «هنگام» نیز می‌گویند.

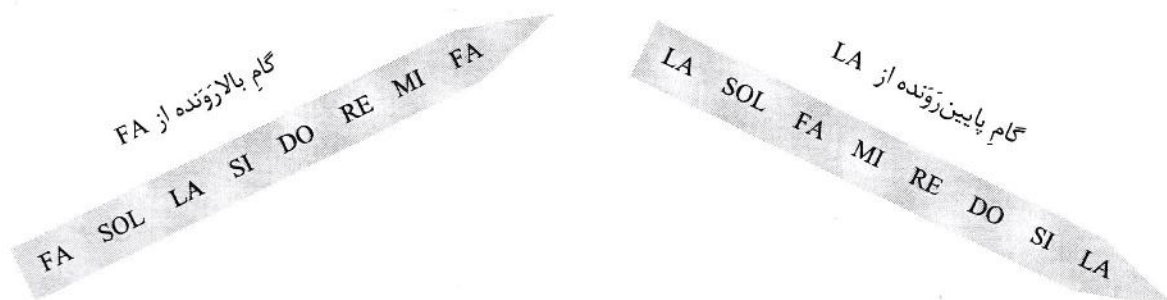
^۴ محدوده‌های صوتی با بخش‌های برابر، مانند گام whole tone نیز وجود دارد. (منصوری، ۱۳۷۶، ۱۳۲)

^۵ این روش نام‌گذاری نت‌ها روش «هجایی» نامیده می‌شود و روش دیگری به نام «الفبایی» نیز وجود دارد که در آن، نت‌ها با حروف الفبا نامگذاری می‌شوند. نام‌گذاری نت‌ها با روش هجایی معمولاً در کشورهای ایتالیایی‌زبان و فرانسوی‌زبان رایج است و روش الفبایی معمولاً در کشورهای آلمانی‌زبان و انگلیسی‌زبان رواج دارد. (پورتراب، ۱۳۶۳، ۲) در جدول پایین معادلِ نام نت‌ها در روش الفبایی دیده می‌شود.

الفبایی	A	B	C	D	E	F	G
هجایی	LA	SI	DO	RE	MI	FA	SOL

گام^۱ scale

هرگاه صداهای یک طبقه را از آغاز تا پایان به ترتیب به سوی بالا یا پایین اجرا کنیم (گفتن نام نت‌ها یا اجرا با ساز) یک «گام» تشکیل خواهد شد. بنابراین گام، رَوْتِدِ پی در پی ۸ نغمه^۲ است که نغمه آغاز و پایان آن نسبت به یکدیگر در فاصله هشتم (اُکتاو octave) قرار دارند. هر گام با نام نغمه آغاز خود نام‌گذاری می‌شود و هرگاه رَوْتِدِ اجرای نغمات گام به سوی صداهای بالاتر (زیرتر) باشد گام بالا رَوْتِدِه و اگر به سوی صداهای پایین‌تر (بم‌تر) باشد گام پایین رَوْتِدِه خواهد بود.^۳



اِکَلِ نوازندگی سه‌تار ecole

به شیوه ارتباط فیزیکی بدن نوازنده با ساز اصطلاحاً «اِکَلِ نوازندگی» می‌گویند. بدیهی است که اِکَلِ نوازندگی سازهای گوناگون به دلیل تفاوت در ساختار فیزیکی آن‌ها یکسان نیست ولی اِکَلِ در همه سازها به گونه‌ای است که بیشترین هماهنگی را با حالت فیزیکی طبیعی بدن انسان داشته باشد و نوازندگی با راحت‌ترین وضعیت ممکن انجام شود. همچنین تمامی سازها به گونه‌ای طراحی و ساخته شده و تکامل یافته‌اند که با حالت طبیعی بدن انسان هماهنگ بوده و نوازنده بتواند به راحتی آن‌ها را بنوازد. با این‌که برای نواختن هر ساز یک اِکَلِ استاندارد تقریباً مشخص وجود دارد ولی ممکن است در انواع موسیقی به دلایلی مانند تفاوت در محتوا و سلیقه‌های شنیداری، شیوه‌های اجرایی متفاوتی برای یک ساز وجود داشته باشد؛ همچنین ممکن است اِکَلِ اولیه در هنگام اجرای تکنیک‌های اجرایی گوناگون تغییر کند. با این حال به همه نوازندگان توصیه می‌شود در آغاز، به حالت فیزیکی استاندارد نواختن سازشان توجه کنند تا بتوانند از همه ظرفیت تکنیکی ساز بهره ببرند و بدون مشکلات جسمانی و خستگی زودرس به تمرین بپردازند. به‌ویژه در چند هفته نخست نوازندگی باید بیشترین توجه به ارتباط فیزیکی مناسب بدن و ساز معطوف باشد زیرا اصلاح عادت‌های اشتباه در نوازندگی دشوار بوده و در صورت اصلاح نشدن نیز ممکن است به مرور سبب به خطر افتادن تندرستی نوازندگان شود.

پیش از پرداختن به اِکَلِ نواختن سه‌تار ذکر نکات زیر ضروری به نظر می‌رسد:

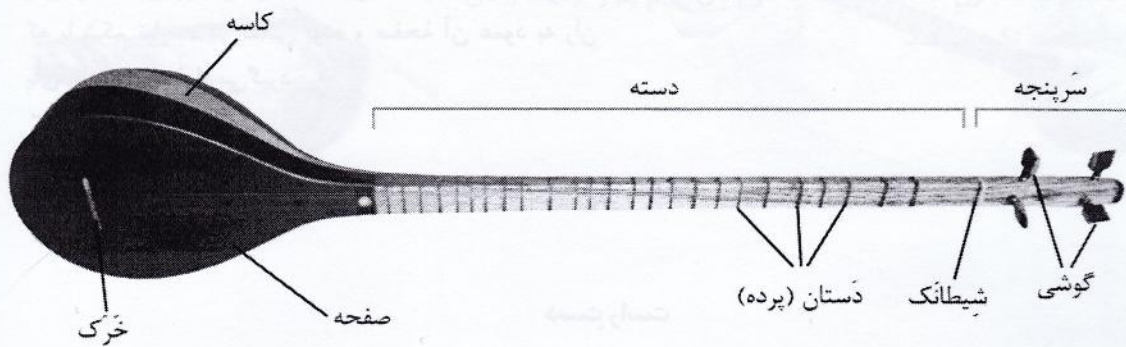
۱. تلاشی که معمولاً هنرجویان برای دیدن سیم‌های ساز می‌کنند ممکن است موجب گورژ شدن غیرطبیعی ستون فقرات شود. از این روی در آغاز کار باید با توجه بیشتر به این بخش از بدن از گورژ شدن ستون فقرات خودداری شود.
۲. چون تمرین‌ها معمولاً خارج از کلاس و بدون کنترل آموزگار انجام می‌شوند پیشنهاد می‌شود هنرجویان تمرین‌ها را روبروی آینه و با کنترل حالت مناسب بدن انجام دهند.
۳. ناخن انگشت اشاره دست راست نوازنده سه‌تار باید کمی از گوشت انگشت جلوتر باشد و ناخن انگشتان دیگر در هر دو دست کوتاه باشد.

^۱ gamme در زبان فرانسوی برگرفته از واژه یونانی «گاما» حرف سوم الفبای یونانی است. (ستایشگر، ۱۳۷۵، ۳۰۶)

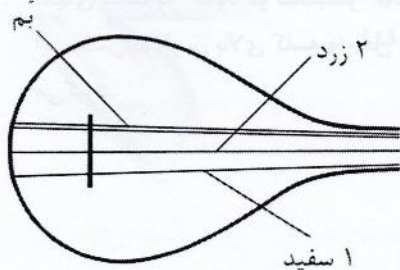
^۲ ممکن است در برخی گام‌های خاص مانند «پنتاتونیک» تعداد نغمات تقسیم‌بندی شده در طبقه، کمتر یا بیشتر از ۸ نغمه باشد.

^۳ تعریف گام به سبب ضرورت آشنایی با آن برای انجام تمرین‌هایی که در پایان هفته یکم برای تسلط بر ترتیب نت‌ها ارایه شده در این بخش آمده است.

۴. به دلیل استفاده از نام بخش‌های ساختمان سه‌تار در توضیحات بعدی، در تصویر پایین بخش‌های تشکیل‌دهنده سه‌تار معرفی شده‌اند:



۵. انگشت‌ها در سه‌تارنوازی به این شیوه شماره‌گذاری می‌شوند:^۱



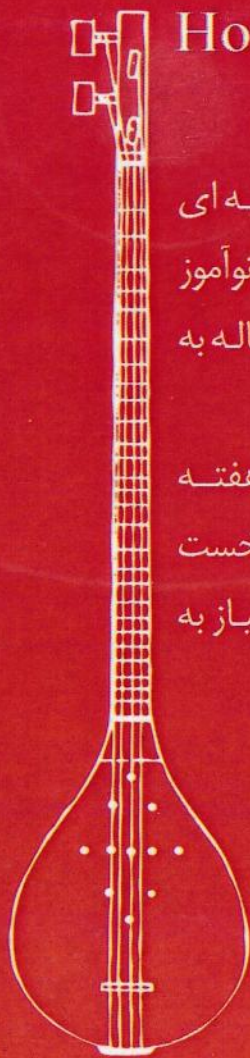
۶. سیم‌های سه‌تار در این کتاب به این ترتیب نام‌گذاری می‌شوند:^۲

^۱ در رساله‌های قدیمی موسیقی ایران انگشتان ۱، ۲، ۳ و ۴ به ترتیب «سبابه»، «وسطا»، «بنصیر» و «خنصیر» نامیده می‌شده‌اند.
^۲ سیم بم در گذشته به صورت جفت‌سیم نبوده و سیم سفید پایین سیم بم (سومین سیم از پایین) که سیم «مشتاق» نامیده می‌شود در دوره زندگی توسط شخصی به نام «مشتاق علی‌شاه» به سه‌تار افزوده شده است. (مشحون، ۱۳۷۳، ۳۶۱)

Setar

From Basics to radif

Hootan Sharafbayani



این کتاب فصل نخست از مجموعه‌ای چهار جلدی است، که تلاش شده هنرجوی نوآموز با استفاده از آن در دوره‌ای حدوداً یک ساله به توانایی نسبی اجرای ردیف دست یابد. محتوای آموزشی مورد نظر در هر هفته طبقه بندی شده و ویژگی آن در فصل نخست آموزش مبانی نظری موسیقی مورد نیاز به صورت کاربردی است.

ISMN: 979-0-69850-154-5